اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت بیستم)

جاودانگی در آتش (بخش اول)

شیطان در میان مردم خیلی روی عدم جاودانگی در آتش جهنم اصرار میکند، زیرا شیطان میخواهد به این طریق وعده های خدا در مورد جهنم را کم رنگ کند و مردم را بی خیال جهنم کند. میخواهد طوری به مردم نشان دهد که آتش جهنم چند روزی است و بعد از آن وارد بهشت میشوند!

این طرز تفکر شیطانی در میان امتهای قدیم گسترش یافت و هنوز هم به طور گسترده رواج دارد. یهودیان معتقد هستند که به طور جاودانه در آتش جهنم نمی مانند و بعد از مدتی از آتش جهنم خارج شده و وارد بهشت میشوند! البته این طرز تفکر فقط مختص یهودیان نیست و هم اکنون تعداد زیادی از مسلمانان هم اینچنین تصور میکنند که بعد از گذراندن دورانی محدود در جهنم، وارد بهشت خواهند شد.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۴﴾

این بدان سبب بود که آنان [به پندار خود] گفتند هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید و برساخته هایشان آنان را در دینشان فریفته کرده است (۲۴)

مثلا اسماعیلیه ها معتقدند که گناهکاران ولایتمدار بالاخره روزی از جهنم خارج میشوند و اما گناهکارانی که به ولایت معتقد نیستند؛ جاوید و همیشه در جهنم می مانند! در میان سایر گروههای اسلامی هم این ایده تقریبا گسترش دارد. مثلا بعضی از آنها می گویند که مرتکب گناه کبیره در جهنم برای همیشه می ماند و کسانی که گناه کبیره مرتکب نشده اند، روزهای معدودی در جهنم مانده و نهایتا روزی از جهنم خارج میشوند. در میان مسیحیت هم، تعدادی معتقدند که جهنم مخالف جنبه رحمانیت خداست و به این طریق تعدادی از آنان منکر جاودانگی جهنم هستند و معتقدند که جهنمیان بعد از عذاب ، برای همیشه نابود میشوند. بعد از مطالعه در این مورد متوجه خواهید شد که هر حزبی هم حزبی های خود را غیر جاوید در جهنم و بقیه را جاوید در جهنم میداند.

کسانی که کتاب آسمانی خود را قرآن میدانند، خوانده اند که خدا برای عذاب جهنم عبارت خالدین فیها ابدا را استفاده فرموده است ؛ ولی باز هم بر غیر جاوید بودن عذاب جهنم اعتقاد دارند.

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۱۶۹﴾

مگر راه جهنم که همیشه در آن جاودانند و این [کار] برای خدا آسان است (۱۶۹)

بعضی ها مثل حلاج و ابن عربی که متوجه همیشگی بودن نار جهنم شده بوده اند، معتقد بودند که جهنمیان برای همیشه در جهنم می مانند؛ و در ادامه میگویند که اهل جهنم بعد از مدتی با آتش جهنم انس گرفته و به آن عادت میکنند! و از آن جا به بعد، جهنم برای آنان لذت بخش خواهد شد! در حالیکه اینها خیالاتی بیش نیست و خود را بوسیله این فلسفه های بی معنی فریب میدهند.

در زمان پیامبر، یهودیان معتقد بودند که آتش جهنم برای آنان جاویدان نیست . در آیات زیر هم به این موضوع اشاره شده است.

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾

و گفتند جز روزهایی چند هرگز آتش به ما نخواهد رسید بگو مگر پیمانی از خدا گرفته اید که خدا پیمان خود را هرگز خلاف نخواهد کرد یا آنچه را نمیدانید به دروغ به خدا نسبت می دهید (۸۰)

بعضی ها سوال مهمی را مطرح میکنند و میگویند که چرا یک فرد که چند گناه محدود انجام داده است؛ برای همیشه به جهنم برود؟ و در ادامه آنان این مورد را مخالف عدل خدا میدانند. خیلی جالب است که بعد از آیه ۸۰ که ایده یهودیان را بیان میدارد، خدای مهربان بشر را راهنمایی فرموده است و جواب این سوال مهم را داده است. لطفا توجه کنید:

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۱﴾

آری کسی که بدی به دست آورد و گناهش او را در میان گیرد پس چنین کسانی اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (۸۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۲﴾

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند آنان اهل بهشتند و در آن جاودان خواهند ماند (۸۲)

نکته موضوع در اینجاست که کسانی وارد جهنم میشوند که خطاهای آنان، آنها را در این زندگی دنیوی احاطه کرده باشد. همانطور که آیه (مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ **) می فرماید که :** کسی که بدی به دست آورد و گناهش او را احاطه کند پس چنین کسانی اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود

با این وضع؛ کسانی که گناهانشان؛ محیط بر آنان نیست و بر آنان احاطه ندارد؛ اصلا وارد جهنم نمیشوند و خدا به آنان رحم میکند و در عوض وارد اعراف میشوند. در ادامه در مورد اعراف صحبت میشود و توضیح داده میشود که اعراف کجاست. اعراف جایی بین بهشت و جهنم است و کسانی وارد آن میشوند که گناه کرده اند، اما گناهشان آنان را احاطه نکرده است. این افراد آنقدر نفس خویش را رشد نداده اند که مستقیم شایسته بهشت شوند، زیرا گناه هم انجام داده اند ولی به گناهان خویش اعتراف کرده اند و گناهان خویش را در همین دنیا شناخته اند؛ به همین خاطر خدا تا روز قیامت آنان را در جایی به نام اعراف نگه میدارد و البته در روز قیامت ، اعراف با بهشت زیرین یکی خواهد شد. خدا اعرافیان را وارد جهنم نمی

کند و در لحظات آخر داوری وارد بهشت میکند. این رحمت خداست که شامل مردم میشود. جالب است که اعراف و اعتراف هم ریشه اند.

برای توضیح بیشتر با چند مثال توضیح داده میشود که چه کسی گناهانش بر او احاطه دارد. مثلا کسی که یک قتل انجام میدهد و تا آخر عمرش از این قتلش و انگیزه قتلش دفاع میکند و به گناهش اعتراف نمی کند؛ ثابت میکند که او به گناهش ایمان دارد و حتی ایدئولوژی زندگیش را بر اساس این گناه تنظیم کرده است. موسی یکی را کشت ولی بلافاصله توبه کرد و به اشتباه خویش هم اعتراف کرد. موسی از قتلی که انجام داده بود، کوچکترین دفاعی نکرد. او گفت:

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ ﴿۱۵﴾

و داخل شهر شد بی‌آنکه مردمش متوجه باشند پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافت یکی از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود] آن کس که از پیروانش بود بر ضد کسی که دشمن وی بود از او یاری خواست پس موسی مشتی بدو زد و او را کشت گفت این کار شیطان است چرا که او دشمنی گمراه کننده [و] آشکار است (۱۵)

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶﴾

گفت پروردگارا من بر خویشتن ستم کردم مرا ببخش پس خدا از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است (۱۶)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾

[موسی] گفت پروردگارا به پاس نعمتی که بر من ارزانی داشتی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود (۱۷)

البته موسی به خاطر این گناهش وارد اعراف نشده است، بلکه او وارد بهشت شده است، زیرا او بعدا نفس خویش را به اندازه کافی رشد داد.

با یک مثال دیگر توضیح داده میشود. کسی که براساس تعصب و غیرت جاهلی، دخترش و یا خواهرش و یا همسرش را میکشد و از این کارش دفاع هم میکند؛ این فرد این کشتن را حق خود میداند و این فرد تمام کارهای دیگرش را هم براساس این گناهش تنظیم کرده است و به یک ایدئولوژی ثابت برای او تبدیل میشود و در واقع این گناه اوست که به او امر و نهی میکند و او را احاطه کرده است. گاهی یک گناه مثل سرطان و خرچنگ به جان انسان چنگ می اندازد و در روان آدمی ریشه می دواند و فرد برای اثبات درست بودن گناه خویش، خیلی کارها میکند و به این طریق گناه بر او احاطه میکند و محیط میشود. یعنی دامنه گناه آنچنان در وجود او بزرگ میشود که جزء ثابت و لاینفک ایدئولوژی او میشود. به همین خاطر حتی یک گناه میتواند انسان را برای همیشه وارد جهنم کند.

صدام به بهانه تامین امنیت، ده ها هزار نفر را کشت و یا شیمیایی کرد و لحظات آخر عمرش هم دست از این اعمال و تفکرات برنداشت و به خود حق میداد و اصلا

کارهای خودش را اشتباه نمیدانست و حتی لحظات آخر زندگیش، یک قرآن هم دستش گرفته بود! این چنین فردی جهنمی است و به چنین فردی شجاع گفته نمیشود. کسی که روی گناه اصرار ورزد، شجاع نیست، بلکه گناه او را احاطه کرده است و احاطه شدن توسط گناه با شجاع بودن خیلی متفاوت است. همچنان که افراد در جهنم اقرار میکنند که در دنیا شقاوت آنان بر آنها چیره گشته و این شقاوت آنها بود که آنان را احاطه کرده و کنترل میکرده است.

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿۱۰۶﴾

می گویند پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم (۱۰۶)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿۱۰۷﴾

پروردگارا ما را از اینجا بیرون بر پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم در آن صورت ستمگر خواهیم بود (۱۰۷)

کسی که مشروب الکلی مینوشد و یا مواد مخدر مصرف میکند و همواره معتقد است که مشروب و مواد مخدر آرامش دهنده است؛ و دست از این توهم بر نمیدارد؛ این چنین فردی به مشروب و مواد مخدر ایمان آورده است و بنابراین گناهش او را تحت کنترل خود آورده است و به این طریق چنین فردی جهنمی است. اما کسی که جاهلی کرده است و چند بار مشروب الکلی نوشیده و بعد توبه کرده است و گناه را کنار گذاشته است؛ خدا بخاطر این گناه او را به جهنم نمی اندازد. زیرا این

فرد نگذاشت که گناهش او را احاطه کند. بنابراین سوال افرادی که فکر میکنند که افراد با گناه محدود نباید تا ابد در جهنم بمانند، بی مورد است و اینها به خیال خود، رحمشان و عدلشان از خدای عالمیان بیشتر است. کسانی که این سوال را مطرح میکنند، اشتباهشان اینجاست که فکر میکنند افراد با گناههای محدود و عدم احاطه ای به جهنم می روند؛ اما خدا اصلا این افراد را وارد جهنم نمی کند. خدا رحمش از همه بیشتر است و سناریوی خدا رحیمانه تر از هر سناریوی دیگری است.

بعضی ها جنبه رحیمیت خدا را درک نکرده و میگویند که رحمت خدا همه جا را فراگرفته است و بنابراین جاوید ماندن در جهنم توجیه ندارد.

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۵۶﴾

و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز] زیرا که ما به سوی تو بازگشته ایم فرمود عذاب خود را به هر کس بخواهم می رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند مقرر می دارم (۱۵۶)

قطعا این حرف درست است که رحمت خدا همه جا را فراگرفته است و اگر این رحمت نبود؛ ما انسانها اکنون روی زمین نبودیم و خدا فرصت دیگری برای بخشیده شدن به ما نمیداد. اما خدا فقط رحمان و رحیم نیست، بلکه قاهر، قادر، عزیز ، حکیم، جبار هم هست. محدود کردن خدا به صفت رحمانیت؛ نوعی محدود کردن خداست

و برای خدا شاخ و شانه کشیدن است. خدا خودش باید خودش را معرفی کند و نه ما. خدا علاوه بر صفت رحمان و رحیم؛ صفات دیگری هم دارد.

اگر گناه مجرمین را احاطه کند، دیگر روان و نفس آنان می گندد و نمیتوانند برای همیشه از جهنم خارج شوند. اگر یک میوه بگندد، دیگر میوه بشو نیست و مضر است.

علاوه بر آن خدای مهربان، جن و انس را نوعی هیزم برای جهنم میداند. یعنی جهنمیان به نوعی سوخت جهنم هستند و پایه و بیس جهنم هستند و اصلا آتش جهنم بدون آنان بی معناست. بنابراین خارج شدن از جهنم امکان پذیر نیست. انگار خاصیت وجودیشان با خاصیت جهنم یکیست و فقط با از بین رفتن جهنم؛ آنان هم از بین میروند و خدای مهربان هم هیچوقت جهنم را از بین نمی برد.

إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿۲۴﴾

پس اگر نکردید و هرگز نمی توانید کرد از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند و برای کافران آماده شده بپرهیزید (۲۴)

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿۱۵﴾

ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود (۱۵)

افراد در جهنم پشیمان هم میشوند ولی بیفایده است. زیرا پشیمانی در آخرت بیفایدست. پشیمانی در آخرت ، ماهیت واقعی نفسها را آشکار نمی کند. فرعون هم در لحظات غرق شدن؛ پشیمان شد ولی بیفایده بود. اگر فرعون از غرق شدن نجات می یافت، دوباره همان کارها را انجام میداد.

به فرموده خدای مهربان، کسانی که در جهنم به سر می برند، همانموقع به این دنیا برشان گردانی؛ دوباره همان ممنوعه ها را تکرار میکنند. این مورد بسیار عجیب است. خدا راستگوترین است و هیچوقت سخن افراطی نمی فرماید. یعنی پشیمانی در جهنم هم ، جهنمیان را درست نمی کند.

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۷﴾

و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می شوند می دیدی که می گویند کاش بازگردانده می شدیم و [دیگر] آیات پروردگارمان را تکذیب نمیکردیم و از مؤمنان می شدیم (۲۷)

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۲۸﴾

[ولی چنین نیست] بلکه آنچه را پیش از این نهان می داشتند برای آنان آشکار شده است و اگر هم بازگردانده شوند قطعا به آنچه از آن منع شده بودند برمی گردند و آنان دروغگویند (۲۸)

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿۱۶۷﴾

و پیروان می گویند کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان بیزاری می جستیم این گونه خداوند کارهایشان را که بر آنان مایه حسرتهاست به ایشان می نمایاند و از آتش بیرون آمدنی نیستند (۱۶۷)

باید بدانیم که عذاب جهنم کسی را درست نمی کند یعنی افراد را شایسته رفتن به بهشت نمیسازد. ما فقط با پرورش نفس خویش میتوانیم شایسته رفتن به بهشت شویم. بنابراین بدون کار خیر که ناشی از ایمان ما باشد؛ نمیتوان وارد بهشت شد. زیرا فقط از این طریق نفس رشد میکند و میتواند به عالم بالاتر صعود کند.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿۱۵۸﴾

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم (۱۵۸)

بنابراین کسانی که گناهانشان بر آنان احاطه ندارد و آنان در این دنیا به گناه خویش نزد خدای حکیم اعتراف میکنند؛ به جهنم نخواهند رفت و وارد جایی میشوند به اسم اعراف. این عده از مردم نفسشان را همین قدر که از جهنم دور بمانند بزرگ کرده اند، ولی وسعت نفسشان در حدی نیست که بتوانند به بهشت وارد شوند. آنان گناه کرده اند ولی گناهانشان بر آنان احاطه نکرده است و آنان در همین دنیا به گناه خویش اعتراف کرده اند. آنها نه در جهنم هستند، و نه در بهشت. آنان از خدا درخواست می کنند که ایشان را به بهشت زیرین راه دهد. خدا به ایشان رحم خواهد

کرد، و در لحظات آخری اعراف را به بهشت زیرین پیوند خواهد داد و اعراف هم جزو بهشت زیرین خواهد شد.

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿۴۶﴾

حایلی آندو را از هم جدا می کند، و اعراف (در میان مسلمانان برزخ نامیده میشود) مملوّ از مردمی است که طرفین را از چهره هایشان می شناسند. آنها به بانگ بلند اهالی بهشت را صدا می زنند: « صلح بر شما.» آنها بخاطر خوش خیالیهای خود وارد *بهشت* نشدند.

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۴۷﴾

هنگامیکه نگاهشان را بسوی ساکنان دوزخ می گردانند، خواهند گفت، « پروردگارا، ما را با این مردم ستمکار قرار مده».

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿۴۸﴾

اعرافیان مردمی را که از روی رخسارشان می شناسند صدا می زنند، و میگویند، « جمعیت گستردۀ شما و تکبری که داشتید سودی برای شما نداشت.

أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿۴۹﴾

«آیا آنها همان افرادی نیستند که شما سوگند خوردید که هرگز مورد رحمت خدا قرار نخواهند گرفت؟ («*به اعرافیان(برزخیان) گفته خواهد شد،* ») به بهشت وارد شوید؛ شما بیم و اندوهی نخواهید داشت. »

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۵۰﴾

اعرافیان به بانگ بلند بهشتیان را صدا می زنند: « بگذارید اندکی از آب شما، یا اندکی از آنچه را که خدا روزی شما قرار داده، برای ما فرو ریزد.» آنها خواهند گفت، «خدا آن چیزها را برای ناباوران حرام کرده است. »

این قسمت که بین بهشت و جهنم است؛ نامش اعراف است. یک سوره از قرآن به این اسم، نامگذاری شده است و مساله بسیار مهمی است که تابحال علمای مسلمان به این قضیه توجه نکرده اند. اعراف و اعتراف از یک ریشه اند و نشان از آن دارد که کسانی که به گناهانشان اعتراف میکنند و گناهانشان را در زندگی تکرار نمی کنند؛ وارد جهنم نمیشوند و بلکه وارد اعراف میشوند. خدای مهربان اعراف را جزو بهشت زیرین میکند و این افراد را وارد جهنم نمی کند.

در کتاب مقدس هم ، اعراف (purgatory) آمده است. از نظر کتاب مقدس تورات، اعراف مکانی بین بهشت و دوزخ است که به انگلیسی آن را پورگاتوری می گویند که به معنای پاک‌کننده است. کسی که گناهان نابخشودنی ندارد، در اعراف می‌ماند و او تا زمان قیامت در آنجا به سر می برد و در نهایت به بهشت خواهد رفت. از نظر آنان اعراف مکانی میان بهشت و جهنم است که ساکنان آن جهنمیان و بهشتیان را می بینند و در این برهه پاک میشوند و در نهایت وارد بهشت میشوند. در قرون وسطی، مسیحیت به انحراف کشیده شده بود و در میان مسحیت ، مردم با پرداخت پول در روی زمین به کشیشها و کلیساها سعی در کم کردن زمان درنگشان در اعراف را داشتند! آنان به طور پیشفرض خود را بخشوده شده میدانستند و فکر میکردند که وارد جهنم نمیشوند و وارد اعراف میشوند.

در میان مسلمانان هم ، گاهی اصطلاح برزخ برای این قسمت بین بهشت و جهنم بکار میرود و همین مورد مشکلات زیادی برای آنان در معاد ایجاد کرده است، در

حالیکه قرآن آن را اعراف می نامد و قرآن برهه زمانی توقف بعد از مرگ تا قیامت را برزخ مینامد و آن مکان را اعراف می نامد.

در میان یهودیت هم افرادی که گناهان سبک انجام داده باشند، وارد اعراف میشوند و در آنجا پاک شده و بعد در روز قیامت وارد بهشت میشوند.

بهتر است که طریقه ورود به قیامت را برای سه گروه مردمان از خود قرآن بفهمیم.

۱- کسانی که شایسته جهنم هستند ، بعد از مرگ، در کابوس جهنم فرو میروند و وارد جایی به اسم اعراف نمیشوند و بلکه در روز آخرت، وارد جهنم خواهند شد. این مورد برای جهنمیان از آیه زیر اثبات میشود:

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿۴۵﴾

پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ میکردند حمایت فرمود و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت (۴۵)

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿۴۶﴾

[اینك هر] صبح و شام بر آتش عرضه می شوند (عرضه آتش بر آنان یک نوع کابوس است و یک نوع عذاب روحی است) و روزی که رستاخیز بر پا شود [فریاد می رسد که] فرعونیان را در سخت ترین [انواع] عذاب درآورید (۴۶)

پس کسانی که شایسته جهنم هستند، بعد از مرگ، از نظر روانی، جهنم به آنان عرضه میشود و عذاب روحی روانی می بینند. عذاب جسمی در روز قیامت برای آنان شروع خواهد شد. پس جهنمیان بعد از مرگ، وارد اعراف نمیشوند؛ بلکه در

برزخ زمانی مرگ تا برپایی روز داوری، به حالت مرگ جسمی و عذاب روحی روانی مبتلا میشوند؛ در زمان برپایی داوری، از نظر جسمی وارد جهنم میشوند.

۲- و اما کسانی که شایسته بهشت هستند و نفس خویش را به اندازه کافی رشد داده اند و شایستگی ورود به بهشت را پیدا کرده اند، همان لحظه مرگ وارد بهشت میشوند.

۳- اما گروه سومی و آخری که خدا آنان را اصحاب اعراف نامیده است، گناهان زیادی ندارند ولی نفس خویش را هم به اندازه کافی پرورش نداده اند و نمیتوانند فورا بعد از مرگ وارد بهشت شوند. آنان در این برهه زمانی از مرگشان تا قیامت، در اعراف می مانند. اعراف در نهایت به بهشت زیرین الحاق خواهد شد و خدا به آنان رحم خواهد کرد.

به طور خلاصه گفته شودکه در قرآن کلمه برزخ به معنای برهه زمانی مرگ تا برپایی روز داوری است و اسم یک مکان نیست. جهنمیان در این برهه زمانی که برزخ نامیده میشود، کابوس جهنم می بینند و از نظر روحی روانی عذاب می بینند و اما بهشتیان مستقیم بعد از مرگ وارد بهشت میشوند و این برهه زمانی برای آنان وجود ندارد. اما اصحاب اعراف در این برهه زمانی در اعراف می مانند و روز قیامت خدا تمام اعرافیان را می بخشد و اعراف به بهشت زیرین پیوند داده خواهد شد.

بنابراین کسانی که وارد جهنم میشوند؛ بدون استثناء همگی جاویدان در آنجا خواهند ماند و کسانی که گناه مرتکب شده اند ولی گناهانشان بر آنان احاطه ندارد؛ به فضل و کرم خدا وارد جهنم نمیشوند و بنابراین نجات آنان از جهنم اصلا مطرح نیست. واقعا آتش جهنم خوارکننده است و کسی که وارد جهنم شود؛ نه تنها تربیت و درست نمیشود، بلکه کاملا خوار میشود و اصلا شایستگی بهشت را نخواهد داشت.

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٥١﴾

آنان در حقیقت کافرند و ما برای کافران عذابی خفت آور آماده کرده ایم (١٥١)

بعضی ها تفکرات خامی در مورد جهنم دارند، طوریکه فکر میکنند جهنم جای تفریح است. لطفا به اشعار و جملات زیر که در مورد جهنم است توجه کنید تا متوجه شوید که چقدر جاهلانه در مورد جهنم فکر میکنند:

بهاء الله در کتاب هفت وادی و چهار وادی در مورد دوزخ میگوید:

و عاشق را از هیچ چیز پروا نیست و از هیچ ضرّی ضرر نه از نار سردش بینی و از دریا خشکش یابی

نشان عاشق آن باشد که سردش بینی از دوزخ

نشان عارف آن باشد که خشکش بینی از دریا

عشق هستی قبول نکند و زندگی نخواهد حیوة در ممات بیند و عزّت از ذّلت جوید.

به این طریق بعضی ها، جهنم را دست کم گرفته اند و از آن ترسی ندارند و حاضرند برای رسیدن به عشق و دستیابی به آن، وارد آن شوند. این همان تفکر شیطان است که تمام مردم را بدبخت کرده است. در سایتهای دیگر یک سری جملات مربوط به آتش دوزخ گفته شده است که نشان از جدی گرفته نشدن آتش جهنم دارد. برای نمونه:

بهشت و جهنم همین دنیاست!

از جهنم هیچ واهمه ای ندارم، جهنم نمیتونه بیشتر از عشق مرا بسوزاند.!

عذاب نبودن توئه ، جهنم اداشو در میاره!

انتخاب کردن جهنم زیباست، بهشتی که به زور واردش شوی از جهنم بدتر است!

جهنم خردمندان، بهتر از بهشت احمقهاست!

تشنه ام تشنه آغوش تو حتی به گناه
آتشی بر تنم انداز جهنم به درک...!

من نیازی ندارم که با تهدید جهنم با اخلاق باشم ....!

در جهنم هیچ مجازات دیگری وجود ندارد به جز اینکه دوباره و دوباره شروع کنی و اقداماتی که در طول زندگیت ناتمام گذاشتی را تمام کنی!

در آغوشش جهنم را خریدم هر چه بادا باد...!

دنیا بی تو از جهنم بدتر است!

صد رحمت به شیطان، جهنم رو به جون خرید ولی تظاهر به دوست داشتن آدم نکرد!

این جملات شعر گونه که منشاء شیطانی دارند؛ برای کم اهمیت جلوه دادن جهنم است. آنان هنوز نمیدانند که آتش جهنم یک خطر واقعی است. خدای مهربان می فرماید که جهنمیان ، نه زنده اند و نه مرده. این آیه واقعیت آتش جهنم را نشان میدهد.

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾

همان کس که در آتشی بزرگ در آید (١٢)

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿١٣﴾
آنگاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد (۱۳)

واژه یحیی در آیه بالایی از ریشه حی است. در کره زمین وقتی کسی گرمش بشود؛ نا امید نمیشود؛ زیرا میداند که میتواند یک دوش بگیرد و یا وضو بگیرد و یا در هوای آزاد راه برود و مقداری از گرمایش کاهش پیدا کند. اما در جهنم؛ افراد میدانند که هر موقعیتی از موقعیت فعلی بدتر است؛ بنابراین بطور دهشتناکی، در جهنم نا امیدی و حسرت موج میزند. افراد از شدت ناامیدی به مرحله دق میرسند. توکل و امید در جهنم نیست. زیرا این صفات و خصوصیات مربوط به جایی است که خدا به آن توجه میکند. خدا به جهنمیان توجه نمی کند.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾
زهی پندار که آنان در آن روز از پروردگارشان جدا خواهند بود (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾
آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند (۱۶)

تمام مشکلات از همین نکته ناشی میشود که خدا به جهنمیان توجه نمی کند و حجابی بین خدا و آنان قرار گرفته است. دیگر روح خدایی در آنجا نیست. زیرا توکل و

امید و بخشش و کل سایر صفات نیک از روح خدا ناشی میشوند. خدا در حین خلقت از روح خویش در ما دمیده است؛ در جهنم چنین چیزی نیست.

به فرموده قرآن، در جهنم سایه ها سه بعدی و زرد رنگ هستند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾

آن روز وای بر تکذیب کنندگان (۲۸)

انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾

بروید به سوی همان چیزی که آن را تکذیب میکردید (۲۹)

انْطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿٣٠﴾

بروید به سوی [آن] دود سه شاخه (۳۰)

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾

نه سایه دار است و نه از شعله [آتش] حفاظت می کند (۳۱)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾

[دوزخ] چون کاخی [بلند] شراره می افکند (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٣﴾

گویی شترانی زرد رنگند (۳۳)

آتش جهنم با آتش دنیا خیلی فرق دارد، فقط اسامی مشابه دارند. زمانی که موسی آتشی را از دور دید، گفت که نزد آتش میروم تا راهنمایی پیدا کنم و یا شعله ای از آن بیاورم تا گرم شویم و یا با آن غذا درست کنیم. اما آتش جهنم برخلاف آتش این دنیا، هیچ فایده ای برای مجرمین ندارد؛ یعنی برای آنان خاصیت مفید ندارد. وجود آتش در زمین مستقل نیست ،زیرا آتش این دنیا فقط در صورت وجود اکسیژن بوجود میاید، اما در آخرت نیازی به آن نیست و آتش مستقل است. حتی نوری که از خود ساطع میکند، مفید نیست و به گفته قرآن، سایه هایی زرد و سه بعدی از خود تولید میکند که خوفناک است. به همین خاطر در تورات در وصف جهنم نوشته شده است که جهنم جایی تاریک و تنگ و خوفناک است. در جهنم آسمان آبی نیست و کاملا تاریک مطلق است. جا در جهنم به حدی تنگ است که افراد کنار هم، همدیگر را اذیت میکنند و یک لحظه هم آرامش اعصاب ندارند.

خدا میفرماید که نفسها در بهشت هر آنچه که اشتها کنند؛ برایشان فراهم است و در دسترسشان است. اما در جهنم هر آنچه که بخواهی ، نیست. تنها چیزی که هست، حسرت؛ غم ؛ اندوه، استرس، نا امیدی و ... است. در جهنم امید و توکل نیست و در نتیجه هر آنچه که برای رشد یک نفس لازم باشد؛ وجود ندارد. بنابراین جهنم جایی برای رشد نفسها نیست و اصلا افراد نمیتوانند در جهنم ذات خود را تغییر دهند. تمام مشکلاتی که در روی کره زمین است؛ اشدترین آنها در جهنم هست.

اعمال و عادات ناپسند مجرمین در جهنم باعث آزار و اذیت آنان میشود؛ عادات غلط در همین جهان هم ما را اذیت میکند. مثلا به یک مثال دنیایی توجه کنید؛ کسی که کمرو است؛ هر جا که میرود، اذیت میشود. هر چند کمرویی یک مشکل دنیوی است و قابل حل است. اما افرادی که وارد جهنم میشوند، صفاتهای زشت زیادی را با خود دارند از جمله، حسادت، طمع، کینه، دشنام، نفرت و ... تمام این صفات شیطانی در جهنم بسیار بزرگ میشوند و ماهیت اصلی آنان، فرد را احاطه کرده و محاصره میکند و بنابراین جهنمیان هرکدام گرفتار صفات ناپسندشان خواهند شد.

خدا برای ما در این جهان ستار العیوب است و خیلی کاستی های ما را میپوشاند و عیوب ما را از دیگران مخفی میدارد تا آبرویمان نرود و این بزرگترین فرصت است برای افراد تا دوباره به سمت خدا برگردند. اما در جهنم تمام صفات زشت افراد از روی چهره ی آنان پیداست و بنابراین هیچ کسی با بغل دستیش راحت نیست.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

می فرماید در میان امتهایی از جن و انس که پیش از شما بوده اند داخل آتش شوید هر بار که امتی [در آتش] درآید همکیشان خود را لعنت کند تا وقتی که همگی در آن به هم بپیوندند [آنگاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند پروردگارا اینان ما را گمراه کردند پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده [خدا] می فرماید برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمیدانید (۳۸)

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾

و پیشوایانشان به پیروانشان می گویند شما را بر ما امتیازی نیست پس به سزای آنچه به دست می آوردید عذاب را بچشید (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿۴۰﴾

در حقیقت کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت درنمی آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود و بدینسان بزهکاران را کیفر می دهیم (۴۰)

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿۴۱﴾

برای آنان از جهنم بستری و از بالایشان پوششهاست و این گونه بیدادگران را سزا می دهیم (۴۱)

بنابراین ایراد کسانی که میگویند سوختن افراد در جهنم برای همیشه با گناهان محدود و کوچک ، ناعادلانه است؛ اصلا جایی برای مطرح شدن ندارد زیرا این افراد گناهشان محیط بر آنان نیست و خدا به آنان رحم کرده و وارد جهنم نمیشوند، بلکه وارد اعراف میشوند. اعراف در آخرین لحظات روز داوری، با بهشت زیرین یکی خواهد شد و به این طریق خدا رحمش بسیار گسترده تر از کسانی است که این ایرادها را مطرح میکنند. اما متاسفانه بیشتر مردم، گناهان خویش را باور دارند و آنان را احاطه کرده است و به این طریق متاسفانه بیشتر مردم وارد جهنم میشوند.

لَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۳﴾

و اگر می خواستیم حتما به هر کسی [از روی جبر] هدایتش را می دادیم لیکن سخن من محق ق گردیده که هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکند (۱۳)

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾

پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید ما [نیز] فراموشتان کردیم و به [سزای] آنچه انجام می دادید عذاب جاودان را بچشید (۱۴)